

## اعجاز حقوقی قرآن و تعیین نسبت آن با اعجاز تشریحی در اندیشه آیت الله فاضل لنکرانی<sup>\*</sup>

محسن قمرزاده<sup>\*\*</sup> و عالیبه جانثاری لادانی<sup>\*\*\*</sup>

### چکیده

تعریف حقوق که گاهی مترادف با تشریح به کار می‌رود، وضع قوانین الزام آور برای ایجاد نظم در روابط اجتماعی افراد جامعه است. لذا منظور از اعجاز حقوقی قرآن، اعجاز تشریحی آن نیست بلکه وجه خاصی از آن است. در بیان آیت الله محمد فاضل لنکرانی<sup>رحمته</sup> تصریحی بر تمایز این دو مفهوم نیست اما بررسی ادله ایشان در جهت اثبات اعجاز تشریحی قرآن نشان می‌دهد که این ادله بر اعجاز حقوقی مصطلح نیز دلالت دارد.

نوشتار حاضر با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، به روشی توصیفی - تحلیلی تلاش می‌کند که بر اساس ادله موجود در آثار ایشان نشان دهد، اعجاز حقوقی به خاطر امری از داخل قرآن و مربوط به کلام بما هو له اثر و ثمرات است. دسته‌ای از این ادله با استناد به وضع قوانین قرآن به منظور جامعه سازی، ثمرات حقوقی قوانین قرآن را اثبات می‌کند و دسته‌ای دیگر با استناد به ارائه قوانین قرآن توسط فردی امّی، تناسب با فطرت و توانایی‌های انسان همراه با ضمانت‌های اجرایی اساسی، یکتایی نظام حقوقی قرآن را اثبات می‌کند. مجموع این دو دسته دلیل، اعجاز حقوقی قرآن را مبتنی بر ادله آیت الله فاضل لنکرانی<sup>رحمته</sup> نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق، معجزه، قرآن، اعجاز حقوقی، آیت الله فاضل لنکرانی

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۱۹.

\*\* دکتري قرآن و حدیث: ghamarzadehm@gmail.com

\*\*\* دانش‌پژوه سطح ۳ علوم و قرآن مؤسسه آموزش عالی معصومیه خاوران (نویسنده مسئول): weneedtobeheshti@yahoo.com

## مقدمه

رجوع به کتاب‌های مختلف علوم قرآنی و بررسی مسئله اعجاز ما را به این حقیقت می‌رساند که وجوه اعجاز در این کتاب‌ها نظم خاصی نداشته و نتیجه استقراء است. لذا به نظر می‌رسد ارائه تقسیم‌بندی جامعی که بتواند تمام یا حداقل بیشتر ابعاد بی‌شمار اعجاز قرآن را ذیل دسته‌های خود جای دهد و در نشان دادن ابعاد و وجوه اعجاز حقوقی قرآن کمک شایان توجهی به ما کند، ضرورت دارد. تقسیم‌بندی که همه ابعاد وجود اعجاز را تحت شمول خود قرار دهد، می‌تواند به شکل ذیل باشد:

۱. اعجاز به خاطر امری از خارج قرآن است؛ (مثل قول به صرف)

۲. اعجاز به خاطر امری از داخل قرآن است که این امر داخلی؛

۳. مربوط به کلام بما هو کلمه و کلام است؛

الف) مربوط به مفردات الفاظ به کار گرفته شده در کلام است یعنی بهترین مفرد، به کار گرفته شده است.

ب) مربوط به شکل و چینش الفاظ در کنار یک‌دیگر است به گونه‌ای که با کوتاه‌ترین و شیواترین شکل معنای عمیق و دقیقی را در اوج فصاحت و بلاغت بیان کرده است.

ج) مربوط به مدلول کلام است (اعجاز علمی و اخبار غیبی قرآن).

۴. مربوط به کلام بما هو له اثر و ثمرات است مثل اعجاز در ناحیه اثرات درمانی، تربیتی، اجتماعی و... آیات قرآن.

چنین تقسیم‌بندی به این معنا نیست که بررسی اعجاز در هر مسئله‌ای فقط در یکی از موارد فوق میسر است بلکه می‌تواند در صورت قابلیت موضوع مطرح شده، در همه ابعاد فوق مورد مطالعه قرار گیرد. نتیجه این که می‌توان هر یک از ابعاد اعجاز قرآن را ذیل هر کدام از دسته‌های فوق مورد بحث و کاوش قرار داد تا معلوم شود که اولاً آیا قرآن در آن بعد اعجاز دارد؟ و ثانیاً این اعجاز ذیل کدام یک از دسته‌های فوق قرار می‌گیرد؟

یکی از مهم‌ترین ابعاد اعجاز قرآن که امروزه بیش از گذشته بدان توجه شده است، اعجاز قرآن در زمینه قانون‌گذاری و وضع قوانین حقوقی است که می‌توان آن را در هر یک از اقسام فوق مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال اگر بگوییم اعجاز حقوقی قرآن مربوط به مفردات

الفاظ به کار گرفته شده در کلام است باید نشان دهیم که قرآن کلمات حقوقی خود را به گونه‌ای گزینش کرده است که نمی‌توان واژه‌ای بهتر و مناسب‌تر را جایگزین آن نمود و اگر بگوییم مربوط به شکل و چینش الفاظ در کنار یکدیگر است به گونه‌ای که با کوتاه‌ترین و شیوا ترین شکل معنای عمیق و دقیقی را در اوج فصاحت و بلاغت بیان کرده است، باید در اوج بودن فصاحت و بلاغت حقوقی قرآن را نشان دهیم و اما اگر بگوییم اعجاز حقوقی قرآن مربوط به کلام بما هو له اثر و ثمرات است باید نشان دهیم که وضع قوانین حقوقی قرآن اثرات و ثمراتی دارد که منحصر به فرد و یگانه است و دیگران از آوردن مثل آن عاجز اند. به بیانی دیگر، باید نشان داد که قرآن در زمینه وضع قوانین حقوقی به منظور تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها، نظام حقوقی را ارائه کرده است، که بشریت به آن دست نیافته است.

لذا در این نگاشته با روشی توصیفی-تحلیلی پس از بیان مفاهیم لازم، اعجاز حقوقی قرآن و وجه تمایز آن با اعجاز تشریحی بیان شده است تا معلوم گردد اعجاز حقوقی قرآن در دیدگاه آیت الله فاضل رحمته چه مفهومی دارد و ایشان برای اثبات آن به چه ادله‌ای متوسل شده‌اند.

### پیشینه

اعجاز تشریحی قرآن از سوی علمای بزرگی هم چون علامه بلاغی رحمته (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۳۵۱: ۱/ ۱۳)، مورد اشاره قرار گرفته است. پس از وی، میرزا مهدی اصفهانی رحمته (اصفهانی، ابواب المهدی، ۱۳۸۷: ۱/ ۳) و شیخ مجتبی قزوینی رحمته (قزوینی، بیان القرآن، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۹۶)، از جمله کسانی بودند که به این مقوله پرداختند. هم چنین، اعجاز در تشریحات قرآن کریم و قوانین و احکام این کتاب آسمانی در آثار علامه طباطبایی رحمته (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱/ ۹۴)، آیت الله خویی رحمته (خویی، البیان، ۱۳۸۲: ۹۴)، آیت الله معرفت رحمته، به طور مبسوط‌تر (معرفت، التمهید، ۱۳۸۸: ۶/ ۲۱۱-۳۳۰ و همو، علوم قرآنی، ۱۳۸۹: ۳۵۷-۳۶۸)، آیت الله فاضل رحمته (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۵) و... به چشم می‌خورد. در سال‌های اخیر نیز مقاله‌هایی با عناوینی مشابه، هم چون «اعجاز تشریحی قرآن» (ابراهیم نژاد، ۱۳۸۹ش؛ بهجت پور و معرفت، ۱۳۹۰ش؛ محمد ربیع میرزایی و وهبة مصطفی الزحیلی، ۱۳۸۳ش) نوشته شده است. در تمام این پژوهش‌ها اعجاز تشریحی و

قانون‌گذاری قرآن مورد بررسی قرار گرفته اما تحت عنوان «اعجاز حقوقی» به معنای خاص آن تنها پژوهشی که صورت گرفته است، مقاله‌ای است تحت عنوان «اعجاز حقوقی قرآن» (جزایری، ۱۳۹۱ ش) که در این مقاله نیز ابعاد اعجاز حقوقی قرآن به طور مفصل بررسی شده بدون این‌که وجه تمایز آن از اعجاز تشریحی قرآن روشن شود.

## مفهوم‌شناسی

### الف) اعجاز

اعجاز از ماده «عجز» بوده و در لغت به معنای ضعف و ناتوانی (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۱/۲۱۵)، درنگ کردن و تأخیر از چیزی (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۵۴۷) آمده است. هم‌چنین به معنای بن و پایان یک شی است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴/۲۳۴). انسان ناتوان نیز چون همواره در پایان قافله و جامانده است، او را عاجز نامیده‌اند. از این رو اعجاز در لغت به معنای به عجز درآوردن و معجزه، فعلی است که دیگران از آوردن آن عاجز و ناتوان هستند (مؤدب، اعجاز قرآن، ۱۳۷۹: ۱۴). اعجاز از باب افعال به معنای ناتوان کردن می‌باشد (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲: ۵۴۷). «اعجاز» در اصطلاح دینی یعنی، انسان چیزی را بیاورد که مخالف، از آوردن آن ناتوان باشد (طریحی، مجمع البحرین، المفردات، ۱۳۷۵: ۴/۲۴) و «معجزه» از نظر صاحب‌نظران علوم قرآنی به پدیده‌ای گفته می‌شود که «نوعاً خارج از چهارچوب امور عادی و طبیعی و فراتر از قدرت بشر و اصول و قوانین علمی قرار دارد و فرد مدّعی منصب الهی آن را به منصفه ظهور می‌گذارد به گونه‌ای که در قبال معارضه ناشی از مبارزه طلبی و تحدّی سالم و بی‌خدشه بماند» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۱۳).

### ب) تشریح

ریشه آن «شرع» است که معنای آن را مسیر و راه آب (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۱/۲۵۲) و یا رسیدن و داخل شدن بر آب (ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴۱۴: ۵/۱۷۵) ذکر کرده‌اند. این کلمه در اصطلاح قرآنی به معنای نشان دادن راه مادی یا معنوی است (مصطفوی، التحقیق، ۱۳۶۰: ۶/۴۱). لذا به احکام و قوانینی که راه را به انسان نشان می‌دهد نیز تشریح

گفته می‌شود (مهیار، فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵: ۲۳۱). هم‌چنین «تشریح» از باب تفعیل به معنای تحوّل و صیورت می‌باشد و «تشریح شیء»، یعنی چیزی را در قالب قانون درآوردن. لذا منظور از اعجاز تشریحی قرآن، اعجاز قرآن در قانون‌گذاری‌ها می‌باشد (بهجت‌پور و معرفت، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۰: ۴۴).

### ج) حقوق

واژه «حقوق» در زبان فارسی در معانی متعددی به کار رفته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. جمع «حق» است. لذا «حقوق» در این معنا به امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد جامعه گفته می‌شود، مثل حق حیات (کاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۷۷: ۴۳/۱ و لنگرودی، مقدمه علمومی علم حقوق، ۱۳۷۱: ۱۲).

۲. «حقوق» به معنای دست مزد و حق الزحمه.

۳. «حقوق» به معنای «علم حقوق» که منظور از آن «دانش حقوق» است.

۴. «حقوق» مجموع قواعد الزامی است که برای نظم روابط افراد و بهبودی وضعیت جامعه وضع شده است (امامی، حقوق مدنی، ۱۳۸۵: ۶۵/۴).

در این نوشتار منظور از حقوق، تعریف چهارم است و بر اساس آن، قواعد حقوقی دارای سه ویژگی زیر است:

الف) علّت غائی از وضع قوانین که برقراری نظم در روابط افراد با یک‌دیگر و بهبودی وضعیت اجتماعی آنان می‌باشد.

ب) قواعد مزبور به وسیله فرد یا مقامی که از طرف افراد برای این امر شناخته شده وضع می‌گردد.

ج) اجراء قواعد مزبور به وسیله قوه‌ای حمایت می‌شود، تا افراد نتوانند از اطاعت آن سرپیچی کنند (همان).

۱۰۹ در قوانین شریعت اسلام نیز هر سه خاصیت فوق یافت می‌شود. بدین صورت که:

۱. در قوانین اسلامی، وضع برخی قوانین در جهت بهبود روابط بین انسان و خدا است که از آن به عبادات یاد می‌شود، در حالی که وضع بخشی از قوانین برای ایجاد نظم و بهبود وضعیت اجتماعی است. مثل قوانین مربوط حقوق کیفری، جرم‌انگاری و مجازات‌های آن‌ها

مثل حدود، قصاص و دیات، حقوق خانواده مثل حقوق و تکالیف فرزندان، زن و شوهر، حقوق و آزادی‌های فیزیکی و معنوی، حقوق و آزادی‌های سیاسی، حقوق اجتماعی و رعایت عدل و انصاف، حقوق اقلیت‌ها، حقوق جنگ و... (عباس‌نژاد، قرآن و حقوق، ۱۳۸۵: ۱۶-۲۱).

۲. قوانین شریعت نیز از جانب شارع مقدس وضع شده است که مقامی شناخته شده در بین افراد دارد.

۳. قوانین شریعت اسلام دارای ضمانت اجرایی است و صرف طرح مباحث اخلاقی نیست، که از آن جمله می‌توان به وضع مجازات‌هایی ذیل عنوان حدود مثل سرقت، زنا، ارتداد، محاربه و قذف یا قصاص و زندان اشاره کرد.

با لحاظ مطالب فوق، شریعت اسلام به یقین دارای قواعد حقوقی به معنای مصطلح و مذکور می‌باشد و نه تنها دارای قواعد حقوقی است بلکه از یک نظام حقوقی برخوردار است که آن را در ردیف نظام‌های حقوقی جهان قرار می‌دهد (جان نثاری لادانی، حقوق اسلامی در دیوان بین المللی دادگستری، ۱۳۹۴: ۴۳).

### وجوه اعجاز قرآن

قرآن کریم جوانب خارق‌العاده بسیاری داشته و دانشمندی (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱/ ۵ و معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۴/ ۳۵ و سیوطی، الاتقان، ۱۴۱۶: ۲/ ۲۲۸ و...) که وارد عرصه اعجاز قرآن شده‌اند، جنبه‌ها و جوانب بسیاری برای اعجاز قرآن برشمرده‌اند. از جمله اعجاز بیانی، اعجاز تشریحی، اعجاز عددی، اعجاز علمی، اعجاز غیبی، اعجاز هدایتی و معارفی، اعجاز از حیث نظم آهنگ، اعجاز از حیث عدم اختلاف و... می‌باشد. برخی این وجوه را در سه بعد اساسی بیانی، علمی و تشریحی خلاصه کرده و سایر وجوه اعجاز قرآن را ذیل این وجوه دسته بندی کرده‌اند (مارتین، اعجاز قرآن در نگاه مستشرقان، ۱۳۹۲: ۶۱). برخی نیز دسته بندی متفاوت‌تری ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه آیت الله سبحانی جهات هشت گانه‌ای را برای اعجاز قرآن برشمرده است. این جهات عبارتند از: اعجاز قرآن از نظر: ۱. فصاحت و بلاغت؛ ۲. خبرهای غیبی؛ ۳. قانون‌گذاری؛ ۴. علوم طبیعی؛ ۵. معارف الهی؛ ۶. اصول اخلاقی؛ ۷. عدم تناقض در محتوی؛ ۸. بیان قصص و تاریخ پیامبران (سبحانی تبریزی، رساله توضیح المسائل، ۱۴۲۹: ۷۶).

لکن ابعاد اعجاز قرآن منحصر در این موارد نیست و با دقت بیشتر، ابعاد بیشتری از وجوه اعجاز قرآن روشن می شود. چنانچه علامه مجلسی نیز به همین مسئله اشاره می کند و عدد معجزات قرآن را بی شمار می داند و معتقد است که اعجاز قرآن از یک جنبه واحد نیست. لذا جایز نیست که گفته شود قرآن معجزه واحدی است، هم چنین جایز نیست که گفته شود قرآن هزار معجزه است بلکه این معجزات از هزارها بیشتر و غیر قابل احصاء و شمارش است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۱۲۲). آیت الله خویی رحمته پس از شمارش ابعاد مختلف اعجاز قرآن همین نظر را داشته و جنبه های اعجاز قرآن را بی شمار می داند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۲۷۸: ۹۱).

آیت الله فاضل لنکرانی رحمته نیز مشابه همین نظر را دارند. ایشان ضمن تأیید وجوه مختلف اعجاز قرآن می فرمایند: «قرآن تنها در بعد خاصی معجزه به شمار نمی رود. قرآن در بعضی ابعاد خاص مردم را به مباره طلبیده و در بعضی موارد مشخص نیز چالشی مصروف نداشته است» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۴۲) یعنی درست است که قرآن در آیات خود به مصادیق خاصی تحدی نموده است، اما این به معنای معجزه نبودن قرآن در موضوعاتی که تحدی نکرده است، نمی باشد. به بیانی دیگر «ابعاد مختلف اعجاز قرآن، تنها نمودی از اعجاز قرآن کریم هستند و این ابعاد مانند عصای حضرت موسی علیه السلام نیستند، تا هر کدام معجزه ای مستقل به شمار آیند، بلکه در مجموع، تفصیلی از یک معجزه بزرگ، یعنی قرآن، هستند و اختلاف در وجوه اعجاز قرآن، در حقیقت به چگونگی تبیین زوایای آن معجزه عظیم بر می گردد» (بهجت پور و معرفت، اعجاز حقوق قرآن، ۱۳۹۰: ۴۴). در نتیجه با لحاظ مبنای آیت الله فاضل رحمته در مورد اعجاز قرآن کریم، جایز است که اعجاز حقوقی قرآن را نیز از نظر معظم له مورد بحث و تحقیق قرار دهیم اگرچه قرآن نسبت به آن تحدی مستقیم و مصروف ندارد.

### اعجاز حقوقی قرآن و وجه تمایز آن با اعجاز تشریحی

اندیشمندان علوم قرآنی معتقدند که خارق العاده بودن مجموع قوانین و دستورالعمل های قرآن کریم در زمینه های فردی و اجتماعی زندگی بشر، نشانه ای بر الهی بودن آن بوده، به گونه ای که نه قابل نقض است و نه صدور آن از جانب فردی امّی و تعلیم ندیده امکان پذیر است.

از جمله دلایلی که این پژوهش‌گران با مقایسه احکام قرآن و عهدین و قوانین مدون بشری رایج در جوامع پیش از اسلام و نیز قوانین رایج در جوامع پیش‌رفته، برای اثبات اعجاز تشریحی قرآن به آن استناد می‌کنند، عبارتند از:

۱. عدم وجود تناقض میان قوانین قرآن و سازگاری آن‌ها با عقل و علم؛
۲. متناسب بودن با فطرت بشری و توانایی‌های انسان که نه موجب اختلال نظام زندگی انسان شود و نه موجب عسر و حرج باشد؛
۳. بری بودن از گرایش‌های انحرافی از قبیل افراط و تفریط و یا همراه شدن با خرافات؛
۴. ارائه قوانین آن در مدت بسیار کوتاه و در فضایی که شرایط لازم برای تدوین چنین قوانینی فراهم نبود به گونه‌ای که مصلحت فرد و جامعه رعایت شود؛
۵. عرضه آن از زبان شخصی امّی؛
۶. برخورداری از ضمانت اجرایی.

در حالی که قوانین بشری، تنها به شئون اجتماعی زندگی انسان پرداخته و از سایر شئون به ویژه رابطه انسان با پروردگارش به‌کلی غفلت ورزیده‌اند، قوانینی که خداوند در قرآن وضع کرده سه بعد رابطه انسان با خود، رابطه او با جامعه (ابواب معاملات و در کنار آن احکام اجتماعی اسلام) و رابطه وی با آفریدگارش را نیز در نظر گرفته است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۶).

در واقع پژوهش‌گران قرآنی، برای اثبات اعجاز تشریحی قرآن به جمع میان این ویژگی‌ها و نه وجود برخی از این ویژگی‌ها استناد کرده‌اند و معتقدند که محتوای تشریحات قرآنی به دلیل عدم تناقض، هم‌سویی با عقل، فطرت و علم، جامعیت این قوانین، امّی بودن آورنده آن و ارائه آن در نامساعدترین شرایط، خارق‌العاده به شمار می‌آید و چون با ادّعای نبوت و تحدی همراه بوده است، تعریف اعجاز بر آن صدق می‌کند.

لذا، مقصود معتقدان به اعجاز تشریحی قرآن این نیست که در هیچ‌یک از قوانین وضع شده از سوی بشر یا سایر ادیان، قوانینی هم‌چون قوانین قرآن وضع نشده، بلکه مقصود این است که مجموعه این احکام و قوانین ضمن این‌که با هدف تکامل و سعادت بشر همراه است، از تفکرات انحرافی و خارج از اعتدال، بری بوده، لیکن به صورت تک‌بعدی و قابل نقض نیز نمی‌باشد (بهجت‌پور و معرفت، ۱۳۹۰: ۴۸).

عنوان دیگری که امروزه در میان برخی اندیشمندان علوم قرآنی در راستای اعجاز تشریحی مطرح شده است، «اعجاز حقوقی قرآن» است. بسیاری از محققان، این اعجاز را مترادف با اعجاز تشریحی دانسته و در واقع از آن تحت عنوان «اعجاز قرآن در تشریح و قانون گذاری» یاد کرده‌اند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۲۷۸: ۶۱). لکن با توجه به تعاریفی که در ابتدای این نوشتار در مورد مفهوم «حقوق» انجام شد، منظور از اعجاز حقوقی قرآن این است که «مجموعه‌ای از قوانین و قواعد الزام‌آور به منظور ایجاد نظم در روابط اجتماعی افراد و بهبود وضعیت جامعه توسط قرآن وضع گردیده است که نوعاً، خارج از چهارچوب امور عادی و طبیعی و فراتر از قدرت بشر و اصول و قوانین علمی قرار دارد و در قبال معارضه ناشی از مبارزه طلبی و تحدی، سالم و بی‌خدشه مانده است» (فاضل لنگرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۱۳). بنابراین به نظر می‌رسد وجه تمایز اعجاز حقوقی و اعجاز تشریحی، ریشه در تشخیص و تمیز میان مفاهیم «تشریح» و «حقوق» دارد. همان گونه که گفتیم تعریف حقوق عبارت از مجموع قواعد الزامی است که برای نظم روابط افراد و بهبود وضعیت جامعه وضع شده است، اما مفردات این تعریف در جوامع اروپایی با آنچه تحت عنوان «حقوق اسلامی» مطرح می‌شود متفاوت است. به این معنا که اگرچه هر دو در «تعریف کلی حقوق» یکسانند، اما هم در «منشأ صدور قواعد الزامی» و هم در «تأثیرگذار بودن یا نبودن این قواعد در تنظیم و بهبود روابط اجتماعی» با هم متفاوتند. به عبارت دیگر، منشأ یک قاعده در حقوق اسلامی می‌تواند قرآن، سنت، عقل یا اجماع باشد در حالی که در عالم حقوق غیر اسلامی، منشأ این قاعده ممکن است به عنوان مثال، دموکراسی باشد. علاوه بر این، یک قاعده از نظر حقوق اسلامی می‌تواند در تنظیم روابط انسانی افراد اجتماع مؤثر باشد در حالی که ممکن است حقوق غیر اسلامی برای همان قاعده در تنظیم و بهبود روابط اجتماع، تأثیری قائل نباشد. بنابراین در مقام عمل مفهوم این دو متفاوت است.

از سویی دیگر، با توجه به تعاریفی که در ابتدای این نوشتار صورت گرفت، منظور از «شریعت»، مجموعه احکام و قوانین الزام‌آور یا غیر الزام‌آور اسلام است که با استفاده از قرآن، سنت، اجماع و عقل راه را به انسان نشان می‌دهد. به این معنا که علاوه بر قواعد الزام‌آور مربوط به تنظیم روابط اجتماعی افراد جامعه (حقوق)، شامل دستورات و قواعد غیر الزامی

تحت عنوان «مستحبات و مکروهات» و «مباحات» نیز می‌شود. قواعدی که منجر به بهبود روابط اجتماعی افراد می‌شود، اما از آن جهت که الزام آور نیست در ذیل تعریف حقوق قرار نمی‌گیرد. بنابر این اعجاز تشریحی قرآن، دامنه‌ای وسیع تر از اعجاز حقوقی آن داشته و رابطه این دو، عموم خصوص مطلق است.

بر اساس تعریف فوق به نظر می‌رسد آن دسته از اندیشمندان علوم قرآنی که به اعجاز حقوقی پرداخته‌اند و آن را مترادف و هم معنی اعجاز تشریحی دانسته‌اند، صحیح نمی‌باشد (جزایری، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱). چرا که منظور از اعجاز حقوقی قرآن به طور خاص، اعجاز قرآن در زمینه وضع قوانینی است که برای تنظیم و بهبود روابط اجتماعی انسان‌ها وضع شده است. قوانینی که الزام آور بوده و دارای ضمانت اجرایی مؤثری هستند.

اما برخی علما، «حقوق» را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند که در نتیجه این تعریف، حقوق اسلامی به معنای شریعت است. با لحاظ آن که از دیدگاه اسلامی، منشأ حق، خداوند متعال است، در تعریف «حقوق» گفته شده است: «حقوق مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی است که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد» (جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ۱۳۷۵: ۷۵). در این تعریف، برقراری قسط و عدل و رسیدن به سعادت مهم است و برای این منظور ممکن است قانون غیر الزامی دخیل باشد فلذا این تعریف با شریعت مساوی است. اما در حقوق مصطلح، فقط قوانین الزامی که در بهبود روابط اجتماعی افراد جامعه مؤثر است، را حقوق می‌دانند.

با توجه به مطالب مذکور، برای اثبات این وجه خاص از اعجاز قرآن ممکن است همان دلایلی آورده شود که برای اثبات اعجاز تشریحی به آن‌ها استناد می‌شود. اما باید دانست که اعجاز حقوقی مصطلح، همان اعجاز تشریحی نیست بلکه وجه خاصی از آن است. مگر آن‌که تعریف آیت الله جوادی آملی مبنا قرارگیرد که در این صورت اعجاز تشریحی همان اعجاز حقوقی است و برای اثبات اعجاز حقوقی قرآن می‌توانیم با استناد به همان دلایل و ویژگی‌هایی که برای اثبات اعجاز تشریحی به آن متوسل شده‌اند، اثبات کنیم که قرآن دارای مجموعه‌ای از قوانین خارق العاده حقوقی، به منظور تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها است و در این زمینه

اعجاز دارد. یعنی این قوانین نوعاً خارج از چهارچوب امور عادی و طبیعی و فراتر از قدرت بشر و اصول و قوانین علمی قرار دارد و در قبال معارضه ناشی از مبارزه طلبی و تحدی توسط مدعی مقام نبوت، سالم و بی خدشه مانده است. با توضیحات مذکور، رویکرد ما در نوشته حاضر روشن می‌شود.

### مفهوم اعجاز حقوقی قرآن در نظر آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه

آیت الله محمد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه در کتاب مدخل التفسیر، ذیل عنوان «قرآن و قوانین شرعی»، به وجه اعجاز تشریحی قرآن اشاره کرده‌اند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۱). ایشان ضمن اشاره به تأثیر قرآن در جامعه سازی در زمان نزول و تحوّل نظام اجتماعی توسط آن، قوانین و مقررات آن را با مقررات رایج در زمان نزول مقایسه کرده و معتقد است یکی از موارد بی شمار اعجاز قرآن، توجه آن به نظام و شریعت و ذکر قوانین و مقررات خاص در آن است (همان). از بیان این عالم جلیل و بزرگوار روشن است که مرادشان از اعجاز قرآن در این زمینه، بعد اعجاز تشریحی قرآن به طور کلی است. بدین معنا که مجموع دستورالعمل‌های قرآن کریم در زمینه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر را نشانه‌ای بر الهی بودن آن دانسته‌اند که نه قابل نقض است و نه صدور آن از جانب فردی امّی و تعلیم ندیده امکان‌پذیر است. یعنی مجموع تشریحات و قوانین قرآن معجزه است خواه مربوط به بعد فردی زندگی انسان باشد و در تنظیم روابط اجتماع مؤثر نباشد یا مربوط به بعد اجتماعی زندگی او باشد و خواه الزام آور باشد یا نباشد.

چنانچه می‌بینیم ایشان نامی از اعجاز حقوقی مصطلح نبرده‌اند. اما با توجّه به دلایلی که در جهت اثبات اعجاز تشریحی قرآن ارائه کرده‌اند، قدر متیقنی که وجود دارد این است که به طور قطع، اعجاز تشریحی قرآن را قبول دارند اما سؤالی که در این قسمت مطرح است، این است که منظور ایشان از اعجاز تشریحی و قانون‌گذاری، قانون‌گذاری فقهی است یا حقوقی؟ یعنی آیا ایشان به اعجاز حقوقی مصطلح قرآن قائل بوده‌اند یا نه؟ اثبات این امر مستلزم بررسی ادلّه و مصادیقی است که ایشان در راستای اثبات اعجاز تشریحی به کار برده‌اند. لذا لازم است ابتدا دلایلی که ایشان در جهت اثبات اعجاز تشریحی آورده‌اند را در نظر گرفته، سپس مصادیق مورد اشاره ایشان را مورد بررسی قرار دهیم تا مشخص شود که آیا ایشان به اعجاز حقوقی نیز قائل بوده‌اند یا خیر؟

مرحوم آیت الله فاضل رحمته نیز مانند سایر علمای علوم قرآنی برای اثبات اعجاز تشریحی قرآن به ویژگی‌های قوانین قرآن اشاره داشته و مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها را برای اثبات آن ذکر می‌کنند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۵). نتیجه حاصله از مجموعه این دلایل و ویژگی‌ها این است که اگرچه اعجاز حقوقی می‌تواند در بعد کلام بما هو کلمه نیز بررسی شود، اما با توجه به ادله آورده شده در آثار قرآنی مرحوم آیت الله فاضل رحمته، اعجاز به خاطر امری از داخل قرآن و مربوط به کلام بما هو له اثر و ثمرات است و مجموع این ادله، اولاً در جهت اثبات ثمرات قوانین قرآن و ثانیاً در جهت اثبات یکتایی نظام حقوقی قرآن است.

## الف) ادله مطرح شده توسط آیت الله فاضل رحمته در راستای اثبات اعجاز در ناحیه ثمرات قوانین قرآن

### ۱. وضع قوانین قرآن به منظور جامعه‌سازی و تنظیم روابط اجتماعی

قرآن کریم در دوران فترت که اکثر مردم به بت پرستی مشغول بودند و قوانین تورات و انجیل تحریف شده در میان آن‌ها حکومت می‌کرد، نظامی حقوقی را ارائه کرد که با مقایسه قوانین آن با قوانین حاکم در جامعه آن زمان، پژوهش‌گر را به یقین می‌رساند که از سوی قدرتی ما فوق بشر نازل شده است (همان، ۷۱). قوانین قرآن در یک نظام کاملاً جاهلی ارائه شد که از حیث اخلاقی و حقوقی بهره‌ای نبرده بودند. اما در مدتی بسیار کوتاه، قوانین قرآن جامعه را دگرگون ساخت. به گونه‌ای که مقایسه قوانین و نظام ایجاد شده توسط قرآن با مقررات رایج در عصر نزول حکایت از موارد بی شمار اعجاز قرآن دارد. آیت الله فاضل رحمته با ذکر مصادیقی از عادات و رسوم اعراب جاهلی، عکس‌العملی که قرآن در جهت جامعه‌سازی و تنظیم روابط اجتماعی در مقابل این آداب و رسوم غلط کرده را دلیلی بر اعجاز قرآن در وضع قوانین شرعی می‌داند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۰). مصادیقی هم‌چون بت‌پرستی (مائده/ ۹۰)، زنده به گور کردن دختران (نحل/ ۵۸؛ زخرف/ ۱۷)، شراب‌خواری و فحشا (نحل/ ۶۷؛ بقره/ ۲۱۹؛ نساء/ ۴۳؛ مائده/ ۹۰)، ازدواج با همسران پدران خود (نساء/ ۲۳) تجاوز، جنگ و خونریزی (اسراء/ ۳۳) و ... .

جامعه‌ای که گرفتار بسیاری از عادات مذموم و ناپسند بود، که می‌توان گفت کم‌تر بهره‌ای از فرهنگ و اخلاق نبرده بودند؛ این جامعه بر اثر تعلیمات تدریجی قرآن در همین مدّت محدود، کاملاً منقلب شده و نه تنها عادات و فرهنگ غلط خود را کنار گذاشتند، بلکه بر اثر تعلیمات قرآن به اوج انسانیت و ایثار نیز نزدیک شدند.

## ۲. وضع قوانین قرآن در جهت نفی موهومات و خرافات و گرایش های انحرافی

در مقابل خداوند متعال که خالق این جهان و همه انسان ها می باشد، تفاوت های قومی و نژادی و نیز گرایش های خرافی و انحرافی، مفهومی ندارد. بنابراین خطا و لغزش و تمایلی به قوم و نژادی خاص در قوانینش راه ندارد تا منجر به انحراف شود. اگر چه در اکثر قوانین وضع شده توسط بشر تلاش شده تا این قوانین از هرگونه گرایش های انحرافی، قومی، نژادی و... بری باشند، اما هم چنان که مشهود است امروزه بشریت از ناهنجاری این گونه قوانین وضعی چه در سطح بین المللی و چه در قوانین داخلی کشورها رنج می برد که قراردادهای و کنوانسیون های متعددی در جهت مقابله با آن تصویب نموده است (مانند قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد). اعراب جاهلی آن زمان نیز به امور خرافی و تبعیض نژادی اعتقاد داشتند و حتی به آن افتخار می کردند. آن ها دخترانشان را زنده به گور می کردند (نحل/ ۵۹). و بت ها را به عنوان شفیع میان خود و خداوند می دانستند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۱). قرآن کریم، با این تبعیض نژادی مقابله نموده و جوهر همه انسان ها را یکسان معرفی کرده و ملاک در فضیلت و برتری را پرهیزگاری دانسته است (حجرات/ ۱۳). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه نفی تفاخر به انساب است. لذا مراد از «مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» حضرت آدم و حواست. یعنی ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم بدون فرقی میان سیاه و سفید و عرب و عجم» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۸/۳۲۶). آیت الله فاضل رحمته ذکر قوانین و مقررات خاص در این زمینه را به ویژه در مقایسه با مقررات رایج در دوران نزول قرآن، از موارد بی شمار اعجاز قرآن می دانند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۱).

### ب) ادله مطرح شده توسط آیت الله فاضل رحمته در راستای اثبات یکتایی نظام حقوقی قرآن

#### ۱. ارائه قوانین توسط فردی امّی و تعلیم ندیده

از جمله مواردی که قرآن بر پایه آن به مبارزه طلبی برخاسته، شخصیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است (یونس/ ۱۵). او که در حدود چهل سال در میان قوم خویش زندگی کرد و آن ها به طور کامل و به وضوح از زندگی وی مطلع بودند و می دانستند که او نه تنها فردی امّی و درس ناخوانده بود، بلکه در هیچ یک از رشته های علمی و حتی شعر و ادبیات که تنها عامل برتری

میان افراد به شمار می‌رفت، سر رشته نداشت. قرآن کریم خود در این باره می‌فرماید: «توقبل از نزول قرآن نه اهل خواندن بودی و نه اهل نوشتن؛ و گرنه بهانه‌جوهای یاوه‌گو در وحی بودن قرآن تردید می‌کردند» (عنکبوت/ ۴۲). پس چگونه چنین فردی که خواندن و نوشتن نمی‌داند، می‌تواند کتابی جامع تمام کمالات لفظی و معنوی و قوانین و حد و مرزهای دینی و دنیوی را تألیف کند؟ (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۴۳) در حالی که می‌بینیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ کتابی آورد که همگان در برابرش سر تسلیم فرود آوردند و از رویارویی با آن ناتوان ماندند و افراد فصیح و بلیغ در مقابله مات و مبهوت شدند. لذا چاره‌ای جز بستن افترا و بهتان به ایشان نیافتند. آن‌ها درباره پیامبر ﷺ گفتند که وی جهت تجارت به شام رفته و در آنجا از کشیش‌ها داستان‌هایی را فراگرفته است یا وی در نزد یک مسیحی رومی آهنگر در مکه و یا از سلمان فارسی که دانشمند ایرانی بود این مطالب را فراگرفته است. ولی هیچ‌گاه با خود نیندیشیدند که اگر به فرض محال چنین چیزی درست باشد، پس این همه معارف، اطلاعات، علوم، قوانین، احکام، واقعیت‌ها و فصاحت و بلاغت از کجا آمده است (همان، ۴۳-۴۴)؟

## ۲- وضع قوانین قرآن متناسب با فطرت بشری و توانایی‌های انسان

از جمله دلایلی که از جانب ایشان برای اعجاز تشریحی قرآن آورده شده، این است که قوانین و شرایع قرآن با دلایل واضح، فطرت سالم و اخلاق نیکو هم‌خوانی دارد. که در رعایت، اجرا و پایبندی نسبت به آن‌ها در گفتار و رفتار و در ظاهر و باطن به هیچ وجه شائبه عیب و نقص و ضعف و سستی وجود ندارد و به واسطه آن‌ها می‌توان به سعادت دلخواه و آسایش مادی و معنوی دست یافت (همان، ۷۱).

دیگر ویژگی این قوانین، دور بودن از هرگونه سختی و دشواری است. بر پایه تعالیم قرآن، دین نیامده که دشواری تکلیف را به مردم تحمیل کند (مانده/ ۶). قرآن شریعتی را ارائه می‌کند که در آن به مردم زیادت‌تر از حد توانشان تکلیفی نمی‌شود و اصل حاکم بر مقررات آن، تسهیل و آسان‌گیری است (حج/ ۷۸) چراکه خداوند متعال فرموده است که در دین و شریعت سختی و دشواری وجود ندارد و قوانین قرآن از هرگونه سختی و دشواری به دور می‌باشند زیرا اراده خداوند بر آسانی تعلق گرفته است نه سختی (فاضل لنکرانی، المدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۲).

### ۳. وضع قوانین قرآن بر مبنای عدل و انصاف

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که مبنای اصلی حقوق، عدالت است. به این نظریه «مکتب حقوق فطری یا طبیعی» گفته می‌شود. در مقابل، برخی مبنای حقوق را قدرت حکومت می‌دانند نه عدالت؛ به این نظریه مکتب حقوق تحققی» می‌گویند (کاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵: ۶/۱). قرآن کریم هدف از وضع قوانین حقوقی را توسعه عدالت می‌داند و عدالت از اصول حاکم بر مقررات قرآن است (انعام/ ۱۵۲؛ مانده/ ۸ و حدید/ ۵). از این رو در موارد زیادی از مردم دعوت کرده تا راه عدل و انصاف - که همان جاده وسط می‌باشد - را در پیش بگیرند (نحل/ ۹۰) تا بدین وسیله از انحراف به چپ و راست در امان بمانند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۳).

### ۴. برخورداری قوانین قرآن از ضمانت‌های اجرایی

ضمانت‌های اجرایی قوانین در نظام‌های حقوقی بشری عمدتاً برخورد با متخلفان از طریق اعمال مجازات است. قرآن کریم به منظور تضمین اجرای قوانین خود راه‌کارهای اساسی و فوق‌العاده‌ای را ارائه کرده است. از جمله راه‌کارهایی که آیت الله فاضل رحمته به آن اشاره کرده‌اند، بدین شرح است:

الف) بیان مسئله معاد و سنجش اعمال انسان‌ها در پیشگاه الهی

آیت الله فاضل رحمته با مقایسه اجمالی دو کتاب تورات و انجیل تحریف شده با قرآن کریم، یادآور می‌شود که تورات، علی‌رغم قطور بودن به مسئله قیامت و روز جزا نپرداخته است. در حالی که هدف نهایی ادیان الهی تأمین سعادت اخروی انسان‌هاست. بنابراین لازم است کتاب وحی از جهان آخرت هم سخن گفته و انسان‌ها را در جهت کارهای سودبخش برای آن جهان راهنمایی کند. اما هدف از تورات تحریف شده در جهت فراخواندن مردم به اطاعت از خداوند و بازداشتن از معصیت، تنها اهداف دنیوی است. بدین معنا که آنچه باعث دست‌یابی به ثروت در دنیا و تسلط بر مردم و به استثمار کشیدن آن‌ها می‌شود، اطاعت از خداست و معصیت باعث می‌شود که انسان از نظر خداوند ساقط شده و اموال و امور مادی از او سلب شود. در مقابل تورات که از جهان آخرت ذکری نکرده است، انجیل تنها به آخرت می‌پردازد و پرداختن به مسایل دنیوی را قبیح می‌داند. اما قرآن کریم برای سعادت هر دو جهان اهمیت قائل شده و

از جهان آخرت به عنوان یک ضمانت اجرایی برای اعمال انسان‌ها در این دنیا، یاد می‌کند (قصص / ۷۷). هم‌چنین در جایی دیگر نشان می‌دهد که آخرت مانند آینه‌ای کارهای خیر و شرّ انسان در دنیا را منعکس می‌کند (زلزال / ۷ و ۸) در واقع، قرآن با پرداختن به هر دو جهان و ترجیح جهان آخرت، هدف غایی و مهم ادیان و شرایع الهی را توجّه به جهان آخرت می‌داند و از آن به عنوان یک ضمانت اجرایی قوی برای اعمال انسان‌ها یاد می‌کند (همان، ۷۲).

#### ب) نظارت مردم بر یک‌دیگر در قالب امر به معروف و نهی از منکر

این عالم فرزانه به دو قانون امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین قوانین وضع شده در قرآن با هدف تضمین اجرای سایر قوانین و مقررات شرع مقدس یاد می‌کند و معتقد است اگر این قانون را با تشکیلاتی که امروزه در جهت صیانت از اجرای سایر قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها هست و به تدریج با ایجاد مجازات‌های عجیب و غریب و شکنجه‌های جدید در حال تکامل است، مقایسه کنیم، گستره حیرت برانگیز و عظمت اعجاب برانگیزی دارد. چرا که این تشکیلات مستلزم صرف هزینه‌های زیادی است اما قانون امر به معروف و نهی از منکر برای حراست از حریم قوانین نیازمند ساختار ویژه و هزینه‌های زیادی نیست. زیرا بر اساس آن، هر مسلمان بر عملکرد سایر افراد جامعه و حتی حاکمان آن نظارت دارد و در عین حال، دیگران نیز بر عملکرد او نظارت دارند و برای نظارت معنایی بالاتر از این متصوّر نیست (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۸۶: ۷۴).

#### ج) وضع مجازات‌های حدود و قصاص

قرآن کریم در موارد متعدد به ضرورت اعمال قصاص و حدود مختلف به منظور تضمین اجرای قوانین خود پرداخته است. به عنوان نمونه، برای حمایت از دین، حد ازداد؛ برای حمایت از نفوس انسان‌ها، قصاص؛ برای حفاظت از عقل، حد شراب خواری؛ برای حفاظت از مالشان، حد سرقت؛ برای حمایت از ناموس و نسل انسان‌ها، حد زنا، قذف و قوادی و نهایتاً برای حمایت از نظم عمومی و امنیت جامعه، به حد محاربه و افساد فی الارض اشاره کرده است.

آیت الله فاضل رحمته در کتب تفسیری خود اشاره‌ای به این ضمانت‌های اجرایی برای قوانین قرآن نکرده‌اند؛ لکن با مراجعه به کتاب‌های فقهی این عالم بزرگوار روشن است که ایشان ضمن پرداختن به مباحث حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، آیات مرتبط با این مباحث از قرآن

کریم را نیز در ضمن آن‌ها بیان نموده‌اند (ر.ک: فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله، ۱۳۸۱: کتب حدود و قصاص). بنابراین بدیهی است از نظر این عالم ربانی این مجازات‌ها نیز یکی از موارد ضمانت‌های اجرایی قوانین قرآن به شمار می‌روند.

### نتیجه

۱. اعجاز حقوقی قرآن که گاهی مترادف با اعجاز تشریحی به کار رفته است، در وضع قوانین و قواعد الزام آور به منظور ایجاد نظم در روابط اجتماعی افراد جامعه است.
۲. اعجاز تشریحی قرآن، به معنای اعجاز قرآن در زمینه وضع احکام و قوانین الزام آور (قوانین حقوقی) و غیر الزام آور (دستورات و قواعد غیر الزامی تحت عنوان مستحبات، مکروهات و مباحات) به منظور تنظیم روابط اجتماعی افراد است.
۳. آنچه از بررسی ادله مذکور در آثار قرآنی آیت الله محمد فاضل لنکرانی رحمته به دست می‌آید این است که ایشان اولاً با اثبات وجود ثمرات مختلف برای قوانین قرآن؛ و ثانیاً با اثبات یکتایی نظام قانون‌گذاری و تشریح قرآن، قائل به اعجاز تشریحی آن می‌باشند.
۴. اگرچه در بیان آیت الله محمد فاضل لنکرانی رحمته تصریحی بر تمایز دو مفهوم حقوق و تشریح نیست، اما ادله ایشان توانایی اثبات «اعجاز حقوقی قرآن» را نیز دارند. لکن بر اساس تقسیم‌بندی مذکور در مقدمه، این ادله اعجاز حقوقی را تنها به جهت امری از داخل قرآن و مربوط به کلام بما هو له اثر و ثمرات ثابت می‌کند. حال آنکه اعجاز حقوقی قرآن زوایای قابل بررسی دیگری مثل اعجاز در واژگان حقوقی قرآن را نیز دارد.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه علی ملکی، مؤسسه ویراستاران، ۱۳۹۷ ش.
۲. ابراهیم نژاد، محمدرضا، اعجاز تشریحی قرآن، آینه معرفت، شماره ۲۴، ۱۳۸۹ ش.
۳. اصفهانی غروی، مهدی، ابواب الهدی، تهران: منیر، ۱۳۸۷ ش.
۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۵ ش.
۵. بلاغی، محمّدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیرالقرآن، قم: مکتبه الوجدانی، ۱۳۵۱ ق.
۶. بهجت پور، عبدالکریم، معرفت، حامد، اعجاز حقوقی قرآن، شماره ۸، ۱۳۹۰ ش.
۷. جان نثاری لادانی، عالیہ، حقوق اسلامی در دیوان بین المللی دادگستری، قم: پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۴ ش.
۸. جزایری، سید حمید، اعجاز حقوقی قرآن، قرآن و علم، شماره ۱۰، ۱۳۹۱ ش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دارالزهرا، چاپ دوم، ۱۲۷۸ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. ریچارد سی، مارتین، «اعجاز قرآن در نگاه مستشرقان»، ترجمه محمد جواد اسکندرلو، بررسی و نقد سید رضا مؤدّب، مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۳، ۱۳۹۲ ش.

۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، رساله توضیح المسائل، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم، ۱۴۲۹ق.

۱۵. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

۱۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۱۸. عباس نژاد، محسن، قرآن و حقوق، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.

۱۹. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی الائمه الاطهار علیهم السلام، ۱۳۸۱ش.

۲۰. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: مرکز فقهی الائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ چهارم، ۱۴۲۸ق.

۲۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ترجمه مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم: اسوه، ۱۳۸۳ش.

۲۲. القزوینی الرازی، احمد بن فارس بن زکریاء، معجم مقانیس اللغه، لبنان: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.

۲۳. قزوینی، مجتبی، بیان الفرقان، قم: دلیل ما، ۱۳۸۹ش.

۲۴. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵ش.

۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران: اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. مؤدب، رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت و جلال، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. مولوی، محمد و خلیلی، معصومه، تبیین اعجاز تشریحی قرآن در تفاسیر معاصر (مطالعه موردی تفاسیر المنار و نمونه): پژوهش‌های علم و دین، شماره ۱۱، ۱۳۹۴ ش.
۳۱. میرزایی، محمد ربیع و الزحیلی، وهبة مصطفى، قانون‌گذاری و تشریح در قرآن کریم، گلستان قرآن، شماره ۱۹۷، ۱۳۸۳ ش.